



صحنه حسین مؤمنی

روایت همچون زندگی

روایت به عنوان رابطه میان ادبیات و جامعه

فاخره ساسانی خواه

مفهوم روایت اصطلاحی علم است که انواع مختلفی را در خود جای می دهد به تعبیر روان پارت - یکی از بزرگ ترین نظریه پردازان روایت - هر روایت جهان بی شمارند و در اثرهای متنوعی جای می گیرند. همین مساله تعریف روایت را سخت تر و پیچیده تر می کند اما در ساده ترین مفهوم یا تعریف روایت همان داستان هایی است که در زبان روح می دهند و زنجیرهای اثر خداداد را در بر می گیرند همچنان که پارت در کتاب «جانش نشخوندگی» می نویسد آنها می نویسند همه کلام گفتاری یا نوشتاری به تصویر ثابت یا متحرک به ایسا و انشأ و به آینه سلسله ایافته ای از تفسیر این گوهرها که گدازند.

پس زندگی ما آنسایاها به طرز عینی با روایتها پیوند حورده است و ما هر روز از اولین روزهای عمر تا آخرین روزهای حیاتمان در معرض انواع روایتها قرار می گیریم.

بسیار آهسته آهسته روایت چیست و از چه زمانی پایه هر صحنه وجود نهاده است بحثهای فراوانی صورت گرفته است اما پژوهشگران و محققان، متفق القول بر این باورند که با آغاز زندگی بشر روایتها نیز متولد شده اند و وجودشان کلاواست. سینه به زندگی آدمی بسته حسی انسان های نخستین نیز با تفسیر روی دیواره غار مازندگی خود را روایت کرده اند و افکار و اندیشه ها و عقاید و آرزوهای خود را با آهنگان در میان گذاشته اند به پیشی دیگر روایتها با فعالیت های بشری زنده شده و پایه های آنها رشد کرده اند و به تعبیر پیتر بروکس زندگی انسان ها همه طرز و زبان های پدید

روایت در هم تنیده است.

خرد بارت روایتها را همه جا در همه جا ادوار و جوامع یافت می شود هیچ مردمی هیچ جا و بدون روایت هرگز وجود نداشته و بخارند و تملک مایعات و همه گروه های انسانی روایت خاص خود را دارند. برای آنکه یک چیز بتواند روایت نامیده شود باید - حاصلاتهای بنیادین روایت را در دست نه مگر کسی خود داشته باشد.

پس که روایت با زمان در ارتباط است روایتها و تفسیر روایی تفسیری در زمان پایه ما می آید. بنابراین میان روایت و حسی که همه چیز را یکباره انقاس می کند تفاوت وجود دارد. مثل عکس آنها در چهار چوب باطبی نوعی دوره زمانی صورت می گیرند که این دوره می تواند کوتاه یا بلند باشد. دور روایت واسطه میان گذشته، حال و آینده است. رویدادهای ابتدایی هر روایت در سلسله رویدادهای بعدی است که معنا یافته و علت به شمار می آید.

ساده روایت آغاز، میانه و پایان دارد. چهار روایت در لحظات سفارته تاریخ و در چهار چوب، حیطه های فرهنگ و هدف از نظر اهمیت فرهنگی دیگرگون می شود و زمانی معنای یابد که شنوندگان و خوانندگان آن متوجه معنای آن را می گیرند.

اگر بخواهیم پرونده روایتها را یکسلیبیم و آنها را سلسله ای کنیم آن وقت چه انسانی می نویسیم در پای آنها واژگان و کلمات نامعلوم در زندگی نسل های پیشین تا نسل های جدید بر بیسیم. روان پارت در پای آنها را در اشکوره تفسیر و حکایت اخلاقی، قصه تراژدی

کمدی، حماسه، تلخ یا تلخ، طنز، تفسیر، تفسیر، روی شیخ شمسین شاه کلبه صبور، خیر و مسکله می یابند. این فهرست می توان را با زبان خود زندگی نام نویسی و اعتراض قلمه (مکتب حسنگی بر گور) جلال آل احمد و آگاهی های بازرگانی را نیز از و لایه های که به بران و مانتر همان در کودکی برای ما خوانده اند و آگاهی های بازرگانی، نمونه های از روایت های بسیار کوتاه هستند بسیاری از آگاهی های بازرگانی که در تلویزیون پخش می شوند و اجد ساختاری کمال روایتی هستند و معمولا همه عناصر داستان کوتاه را می توان در آنها پیدا کرد و گونه بودن روایت و متغیبات آگاهی ها در نقد و تفسیر ادبی مورد توجه است تا آنکه به کار گرفته می شوند. آنها با وجود کوتاه بودن دارای آغاز، میانه و پایان هستند. همان ها و حماسه ها نیز نمونه ای از روایت های بلند طولانی هستند.

انگلیسی مهم میان روایت های گذشته و امروز وجود دارد که به خصلت بیادین دنیای امروز بر می گردد و آن هم را در و پرشرف و تکوازی است و سلسله ای که پیش روی ما می گذارد. خبر، نمونه خوبی برای این ادعا است. هر گذشته خیر از منابع بسیار محدودی در جامعه انتشار می یابد در صورتی که امروزه یک خبر برای توان به فتکال گوناگونی روایت کرده مطبوعات و روزنامه ها، خبرگزاری ها و ساوا کتالی های مختلف تلویزیونی و رادیویی، هر کدام به نوعی آن را می خابند و پخش می کنند علاوه بر روایت های رسمی، آن خبر را می توان به شیوه خبرورده می و از طریق مردم بخاری به واسطه خبر بین های قلمبر نگاری و موبایل ها پخش کرد. حتی خبرها در فضای مجازی و به واسطه

ویلاک ها نیز می توانند ثبت شوند. چنانچه در حیوانات شتر و رستی لندن و نوبه ملن بسونلی، نقاط عطف هستند که می توان برای این بحث به آنها ارجح کرده که مردم با استفاده از فناوری های همراه خود مانند دوربین ها و موبایل های دوربین دار که عکس و فیلم می گرفتند از یک سو و خود به عکس یک شاهد ماجرا از سوی دیگر، موبایل را اختیار راه را امتحان کرده.

ویلاک نیز شکلی از روایت است که هم متأثر از تجربه روزمره است و هم عناصر روایی مانند زمان و مکان را در خود جای داده و صمیمانه تشریح خندها می پردازد. بنابراین از این روایت به عنوان «روایت مقلای بسیار مهم تلقی می شود و اینکه چه کسی، چه زمانی و چگونه چیزی را روایت کند حائز اهمیت است.

روایت های زندگی شخصی ما هم فهم اینکه که هستیم و روزی به کمال سوفا را می بر می می کنند. کاترین کهار و صمیمین هر روایت های شخصی را مانند دیوارهای حائل روزن ساختمان به زیر پناه های معینی وابسته می داند تا آنها را متوجه و پارچا نگه دارد. بنابراین داستان هایی که در مکالمات نقل می شوند و یکی های مستتر که در آن گریه ممکن است به شیوه های دیگر در زندگی با یکدیگر قرار گیرند و در نتیجه تأویل های متفاوتی را بخوبی آورند و خندها به خاطر جای گرفتن زبان در روایت به معنای شوند.

رسم و در روایت

در کتاب هنر شعر، قطعه هایی یافت می شود که به روایت مربوط می شوند. از سطور این کتاب به هر روزی هنر شعر می پردازد. همانند سلسله ای به مفهومی به عبارتی در نظر می گیرد تا ارجح به ادبیات به طور عام روایت به طور خاص صحبت کند. او بحث خود را با این اشاره آغاز می کند که آنرا نمی، تبلیغی های اثر و اهمیت حس است و آنها را می کند که می باید آسوان مند. خوب به نقل را بر می کشیم. همیشه تبلیغ موجد و تبلیغ در وسیله نقلیه مند می شود که برخی هنرها - قسم از نظر با نظم - فقط از زبان بهر می گیرند.

در حالی که برخی دیگر از ایشان متفلسفانه بر پایه خدمت می‌گیرند. موضوع تقلید را نیز لامل اصلی می‌دانند و فلسفی نیز به ما چاره‌ی باینک است یابند و معتقد است وجه سوم یعنی طریقه تقلید را با وسپلهای یکسان نمی‌توان به طریق تقلید کرد.

اول به صورت داستان از زبان اشخاص داستانی (سوم شخص) دوم گویند. در این خود روایت می‌کنند (اول شخص).

سوم داستان در صحنه نمایش به عمل آورده شود. لوسطو میماند که در آن تصویر و نقلات نقل می‌شود که کمی را تقلید از اشخاص فرمایند اما نه بشر به معنای کمال کلمه فقط از حیث رفتاری است. خنده (آر) می‌دانند این لامل عیب یا کاستی می‌شود که در آن را با ویرانگری است. اما در آن نوعی تقلیدی است. از یک کشتی که جدی، کمال و باورن و اعتبار معین شده می‌شود. او در چپ او تر از آنی بر رخ از جبهه‌های بنیادین روایت نظیر طرح شخصیت و گفتگو گویا مطرح می‌کند و اصرار می‌رود که مهمتر از همه است. اما در این حالت یا طرح است و این نکته را نیز خاطر نشانی می‌کند که آنچه شخصیت‌ها انجام می‌دهند به این سالها مربوط می‌شود که تنها چگونگی آنهاست و دست و چگونگی نمی‌اندیشند.

او طرح‌های ساده و پیچیده را نیز بررسی می‌کند و می‌تواند تمایز فانی می‌شود و طرح‌های ساده مستلزم آن هستند که شخصیت‌های اصلی نمایی در تقدیر دهند چون آنکه امکان بازگشت یا انشعابی آنچه رخ داده است وجود داشته باشد. طرح‌های پیچیده دستکاری‌هایی در مریضی است یا بررسی می‌کند که از امکان و از گونی بازگشتی یا هر دو بر خور دارند.

کارکردهای روایت

حالت که روایت‌ها بر تمامی زندگی ما مایل به افکند و در ابعادی وسیع زندگی ما را به تحریر خود در آورده‌اند و به تعبیر زیاده‌اندی در مریض زندگی ما رسیده و نه اینکه در زندگی ما باشند چه کار کرده‌اند و نقش‌هایی را در زندگی ما ایفا می‌کنند؟ در پاسخ به این سوال جواب‌های بسیاری می‌توان داد که تنها به ذکر چند نکته بسنده می‌شود.

اول روایت‌ها از آن روای که ما حاضر اهمیت هستند که کلون معنای بوده و به زندگی ما جهت می‌دهند. آنها توسط هیئت میان خود و جهان هستند که نظم و معنا را به وجود آورده و خلل می‌کنند و بی‌شک‌هایی مناره جهان و تجربیات آدمیان از جهان عرضه می‌کنند. اول و دوم به هر روایت را محصول و فلسفای لاجوج‌هاست اما برای منطبق‌ترین به جهان زندگی ما می‌ماند پس معنای هر روایت نقطه مرکزی و کفزی است.

دوم آنها به هر کس ساز جهان و دنیا را برامین کمک می‌کنند و اجازه سخن گفتن از جهان را به ما می‌دهند و به یاد دهن اهمیت روایت را در سلسله تجربیات انسان‌ها درون رشته خدادادی که از نظر زمانی بر معنای اهمیت هستند می‌بیند.

سوم و آنچه به نکته دوم می‌توان گفت که روایت‌ها گفتن‌هایی با نظم منطقی روشنی هستند که به شیوه‌های بلند و ناخودآگاه را برای مخاطب خود پیوند می‌دهند و بنا بر این پیش‌های مناره جهان با تجریبات انسان‌ها در جهان عرضه می‌کنند که تحلیل این گفتارها به شناختار روش‌های هر جامعه و هنرهای ما را از چیزهایی که در جامعه به طور مداوم تولید و باز تولید می‌شوند با بررسی می‌رود. مانند مثالی و وسطه این تحلیل‌هایی می‌توان به تفاوت‌های جنسیتی میان زن و مرد و بی‌برده‌انگوش یک جامعه را نسبت به مسائل گوناگون دریافته.

چهارم با ناسی به نکته سوم می‌توانیم استدلالات این پیوندگر را در مورد روایت‌ها بپذیریم که آنها یکی از شیوه‌های سخن گفتن ما هستند یکی از مقوله‌های بررسی می‌کند که ما در چهار چوب آنها می‌اندیشیم و طایفه‌های وسیع کیفیت فکری حیاتی معنا جلوه می‌کند. پس قدیمی‌ترین و سخن گفتن از دیگر ویژگی‌های روایت‌ها.

به تعبیر باخترین روایت‌های گوناگون سخن گفتن در باره جهان را فلسفه‌های گوناگونی بر فلسفه‌ها می‌کنند و تفاوت‌هایی هستند شکوفایی می‌گویند و روایت‌ها جهان را نشان می‌دهند.

ششم وقتی از این موضوع سخن می‌گوییم که روایت‌ها ما را احاطه کرده‌اند، پس می‌توانیم کار کرد دیگر آن را پیشگویی و سلسله‌های دامن زندگی بدانیم. میشل موسر تو کار کرد پیشگویی و مبنای بر واقعیت‌ها و در آخر زندگی ما پیش از آن چیزی می‌دانند که نخستین‌ها بودند و هر روز می‌نویسند آنها او در کتاب عمل زندگی روزمره می‌نویسند آنها روایت‌ها را کارها جشن‌ها و حتی روایتهای ما را پیشاپیش ما می‌دهند زندگی اجتماعی به شکل و تقلید از هر کثرت مسکنات و شیوه‌های رفتاری می‌برد دارد که مدل‌های رویی بر ذهن حکمی کنند. هفتاد آنها می‌توانند ما را با تاریخ پیوند بزنند و از انوار گذشته سخن بگویند و در این راستا می‌توانیم توانایی و سلسله را در آنها یافته در قرآن کریم روایات بسیاری را می‌توانیم دید. داستان‌های بسیاری در این کتاب مقدس روایت شده‌اند. روایاتی از داستان زندگی پیامبران هفتاد حضرت صالح حضرت هود حضرت ابراهیم حضرت موسی حضرت نوح حضرت یوسف حضرت یعقوب حضرت عیسی در قرآن به فراوانی دیده می‌شود روایاتی نیز از زبان بافتا و مومن مانند حضرت مریم آسیه هوسر فرعون و مادر حضرت موسی دیده می‌شود که هر یک از این روایت‌ها داستان گونه و بی‌شکلی نظیر بیولوژی چنان بیان شده‌اند.

هشتم حرکت هر روایتی به سمت بی‌پایانگی در موضوع است روایت‌ها با عده آشکار کردن حقیقت آغاز می‌شود و در پایان آن حقیقت را آشکار می‌کند.

خوانندگان روایت‌ها

آیا رابطه ما با روایت‌ها رابطه‌ای قوی و اجباری است؟ ما که به طور پیوسته به تعبیر می‌شود. هر روز در هر صحنه‌ای که در روایت‌ها هستیم و در تمام طول روز در میان جنگلی از روایت‌ها پریم می‌زیسیم و با روایت‌هایی از مطبوعات آگهی‌های تجاری و روایت‌های تلویزیونی و دیگر انواع روایت‌ها بر روی ما می‌بارد و به نظر می‌رسد که چنین نیاند انسان‌ها می‌توانند در مقابل شواخ روایت‌ها حواس‌هایی متفاوت داشته باشند و دست به گزینش بزنند یا گزینش‌هایی که در مطبوعات و کمال‌های تلویزیونی برای دیدن اخبار و برنامه‌ها را به ما می‌دهند و گفتم می‌گویند که با یکدیگر تکریم و حتی کتاب‌هایی که برای مطالعه بر می‌گزینیم در واقع دست خود را برای انتخاب‌های خود را می‌گذاریم.

اگر روایت را یک متن فرض کنیم متن‌ها از خواننده گان می‌خواهند که جاهای خالی را پر کنند. خوانندگان و مخاطب این متن‌ها می‌توانند به این جاهای خالی را به شیوه‌های متفاوتی تکمیل می‌کنند. هر همین دلیل هیچ دو نفری متن معینی را یکسان فرات می‌کنند و ویژگی‌هایی فردی نظیر وضعیت جسمانی، عاطفی، واکاوی و ویژگی‌های اجتماعی نظیر طبقه و جنسیت و سطوح آموزشی مختلف نیز در این امر دخالت دارند.

روایت و زندگی روزمره

زندگی روزمره ما آمیخته با روایت‌هاست و ما به هر چه آسازگار به طور جسته و گریخته در زندگی روزانه‌مان تسلسل‌های مؤلفه‌های روایی را می‌بینیم اما در عین حال تفاوت‌هایی میان این دو وجود دارد. اول روایت داستانی است که در حالی که زندگی روزمره منطقی است.

زندگی روزمره ما آمیخته با روایت‌هاست و ما به هر چه آسازگار به طور جسته و گریخته در زندگی روزانه‌مان تسلسل‌های مؤلفه‌های روایی را می‌بینیم اما در عین حال تفاوت‌هایی میان این دو وجود دارد. اول روایت داستانی است که در حالی که زندگی روزمره منطقی است.

سوم روایت‌ها بسیار تکریم‌تر از زندگی روزمره است آنها با افراد ویژه تعامل شده‌اند و تعریف‌های چهار چیز زندگی را به چشم‌ها می‌کنند و در زندگی روزمره ما به شیوه‌های بالقوه ثابت و منظم می‌بینی می‌شود.

چهارم روایت‌ها بسیار تکریم‌تر از زندگی روزمره است آنها با افراد ویژه تعامل شده‌اند و تعریف‌های چهار چیز زندگی را به چشم‌ها می‌کنند و در زندگی روزمره ما به شیوه‌های بالقوه ثابت و منظم می‌بینی می‌شود.

پنجم روایت‌ها بسیار تکریم‌تر از زندگی روزمره است آنها با افراد ویژه تعامل شده‌اند و تعریف‌های چهار چیز زندگی را به چشم‌ها می‌کنند و در زندگی روزمره ما به شیوه‌های بالقوه ثابت و منظم می‌بینی می‌شود.

فلاسفه تاریخ نشان داده‌اند که روایت فقط جایگزین احساسی برای آمار و ارقام موقتی نیست بلکه روشی است برای شناخت گذشته و این اصول بر روش عقلانی و ویژه‌ای متکی است

یادداشت‌ها هیچ‌گاه داستانی به غیر از گذشته زمان که مؤلفان آن مطلع باشند، وجود ندارند. مکالمه آنها یک شکل هنری غنچه‌پسند هستند و هنوز فراداده‌های خاصی خود را دارند. مکالمات در سرشت خطی بر خور دارند و از این رو، کارکردی معنی‌دار روایت دارند. اگر کسی که درگیر مکالمه است رشته سخن را از دست بدهد در مکالمه اختلال ایجاد می‌شود.

شاید باور اینکه آگهی‌های ترحیم نیز نوعی روایت باشند کمی سخت به نظر آید اما هرگز نباید در روایت‌های ترحیمی که در گذشته‌های بسیار دور وجود داشته‌اند و نکته‌های پر جسته زندگی افراد را در بر می‌گیرند بسیاری از مردم دنیا باوری که فلسفیان هر روز نام‌های چاپ می‌شود در همین آگهی‌هاست آگهی‌ها هفتادگی نمایش دارند و فقط نکات مهم زندگی را بر می‌شمارند و خلاصه‌ای از زندگی فرد هستند علاوه بر این اشاره آگهی‌ها محل خروج آن در روزنامه و اینکه در کدام روزنامه چاپ می‌شود و تعداد دفعاتی که به چاپ می‌رسد و اینکه آیا داشته آگهی به تنهایی مجاز است به صفحات و بلاگ و وبسایت و خبرگزاری‌ها کشیده می‌شود همگی بر اهمیت شخص متفرقی بر می‌گردد نکته چاپ بر این مورد که آیا برگزیده آن اثر می‌گردد یا نه که برای دو گروه آگهی‌های ترحیم از پیش آمده‌اند معطوفه یکی چهارم‌های مهم‌ترین فلسفیان و دیگری افراد بسیار بدنام

که به معنی بردن این اشخاص در چشم به معنی زندگی روزانه است. شواهد به عبارت دیگر، هر چقدر شخص مهم‌تر باشد آگهی ترحیمش زودتر نوشته می‌شود. اجزای مهم‌ترین اجزای معنی روزانه زندگی به ۳۰ شوه می‌توان دید که برخی هر روز تکرار می‌شوند برخی را فقط در روزهای کاری انجام می‌دهیم و برخی صرفاً در روزهای تعطیل هستند. همه ما به یک معنا مؤلف و نامشده‌ای هستیم و زندگی‌مان اجزای مهم‌ترین متن است.

اجزای مهم‌ترین متن است. شواهد به عبارت دیگر، هر چقدر شخص مهم‌تر باشد آگهی ترحیمش زودتر نوشته می‌شود. اجزای مهم‌ترین اجزای معنی روزانه زندگی به ۳۰ شوه می‌توان دید که برخی هر روز تکرار می‌شوند برخی را فقط در روزهای کاری انجام می‌دهیم و برخی صرفاً در روزهای تعطیل هستند. همه ما به یک معنا مؤلف و نامشده‌ای هستیم و زندگی‌مان اجزای مهم‌ترین متن است.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

آنچه از ابتدای مقاله تاکنون بر می‌آید این است که روایت‌ها می‌توانند علاوه بر کارکرد ادبی نظیر سرگرمی، شاد کردن، آشنایی با افراد و... و راه‌های شناخت جامعه را فراهم آورند. امروزه محققان جامعه‌شناسان و قیاس‌سازان بسیاری به بررسی نقش روایت‌ها در زندگی روزمره پرداخته‌اند و این مسئله به خصوص از قرن بیستم به بعد که دانش‌مندان بی‌پایان در روش علوم طبیعی آگهی‌ها و تحلیل‌ها و فرآیند برای شناخت دانش‌ها و علوم جامعه‌شناسی بوده اهمیت بیشتری یافته است. فلاسفه تاریخ نشان داده‌اند که روایت فقط جایگزین احساسی برای آمار و ارقام موقتی نیست بلکه روشی است برای شناخت گذشته و این اصول بر روش عقلانی و ویژه‌ای متکی است. تقلید و روایت که ما پیش از این جایگامی «عقلانی» داشته و جنبه‌ای از «حقیقت‌اندازی» و نوعی «تکریم» می‌شود. معنای زندگی امروز به معنای روش‌های دیگر تبدیل شده است و علاوه بر این بسیاری از راه‌های خود جلب کرده‌اند. مکالمات به تحلیل نقش روایت در زندگی اجتماعی پرداخته‌اند. فردی که چه‌مسون روایت را باقی‌ماند ادبیات و جامعه می‌داند که به واسطه آن واقعیت‌های اجتماعی و فرهنگی هر جامعه در ادبیات منعکس می‌شود. هر چه جامعه‌های جن و پوری را با شیوه‌های ساختارگرایانه مورد تحلیل قرار دادند و زنان - فرانسوا لیوتار در کتاب وضعیت پست‌مدرن خود مباحث متعددی را بر این موضوع‌ها بیان می‌کند و روایت‌ها را در قالب پست‌مدرنیسم جای می‌دهد و می‌گوید هر چه پست‌مدرنیسم را به عنوان نظریه‌ای نسبت به فراروایت‌ها تعریف می‌کند، روزانه باورت نیز حضور روایت را همین‌طوری می‌فرماید. «روایت‌ها در واقعیت‌های حقیقی هیچ‌گونه زندگی» و این امر سرافراز روایتی جدید از روایت است.

منابع

- ۱- آسازگار، پروانه، فرهنگ عامه‌ها، رساله زندگی روزمره ترجمه محمدعلی‌زوی انتشارات سروش، ۱۳۸۰.
- ۲- آسازگار، پروانه، فلسفه، یوسف باقری، مغان شومر، آموخته‌ها، انتشارات سروش، ۱۳۸۰.
- ۳- پاینده، حسین، فراتر از آگهی‌های هنری، نشر روزنگار، ۱۳۸۵.
- ۴- سارین، پروانه، ترجمه محمدشاه‌القدر، انتشارات سروش، ۱۳۸۰.
- ۵- سارین، پروانه، ترجمه محمدشاه‌القدر، نشر خرد، ۱۳۸۰.
- ۶- سارین، پروانه، ترجمه محمدشاه‌القدر، نشر خرد، ۱۳۸۰.
- ۷- سارین، پروانه، ترجمه محمدشاه‌القدر، نشر خرد، ۱۳۸۰.
- ۸- سارین، پروانه، ترجمه محمدشاه‌القدر، نشر خرد، ۱۳۸۰.
- ۹- سارین، پروانه، ترجمه محمدشاه‌القدر، نشر خرد، ۱۳۸۰.
- ۱۰- سارین، پروانه، ترجمه محمدشاه‌القدر، نشر خرد، ۱۳۸۰.

